تاریخ مشهد

سرباز ستارخان طراح استخر کوهسنگی

درباره استاد طاهرزاده بهزاد و نقش او در معماری شهری مشهد

نوائیان – بسیاری بر این باورند که مجموعه تفریحی کوهسنگی از اواخر دهه ۱۳۱۰ش و با طراحی آلمانی‌ها پا گرفت؛ این باور تا حدودی درست است. ساختمانی که آن را با نام باشگاه کوهسنگی می‌شناسیم، توسط پیمانکاران آلمانی ساخته شد؛ اما این به آن معنا نیست که معماران و طراحان ایرانی، نقشی در شکل دادن به مجموعه کوهسنگی نداشته‌اند. مهم‌ترین نماد این مجموعه، یعنی استخر بزرگ کوهسنگی که برای بسیار از ما نوستالژیک و یادآور خاطرات زیباست، توسط زنده‌یاد استاد کریم طاهرزاده بهزاد طراحی شد؛ طرحی استادانه که هم ظرفیت فضا را برای تفریح بیشتر کرد و هم، در موضوعی بسیار مهم، یعنی آبیاری بخشی از اراضی پایین‌دست خود که امروزه همگی زیر فضای ساخت و ساز شهری فرو رفته است، دخالت داشت. کار ساخت استخر کوهسنگی که از آب قنات مشهور سناباد تغذیه می‌شد، به احتمال زیاد، اوایل دهه ۱۳۲۰ به پایان رسید. استاد طاهرزاده بهزاد، از اجله معماران هنرمندی بود که نه تنها در ایران، بلکه در اروپا نیز صاحب اعتبار بودند. او در سال ۱۲۶۲ش، در تبریز به دنیا آمد و پیش از آن که برای آموختن فن معماری به استانبول و برلین برود، مدتی در کسوت هواداری مشروطه، در جرگه سربازان ستارخان، به مبارزه با محمدعلی شاه قاجار و استبداد صغیر اوپرداخت. استاد طاهرزاده بهزاد، مدت ۱۰ سال در دانشگاه‌های معتبر اروپا به آموختن معماری و فنون مربوط به مهندسی ساختمان مشغول بود. تبحر و تسلط او در این فن و آشنایی‌اش با معماری ایرانی، باعث شد که به دعوت چند دانشگاه اروپایی، به تدریس و سخنرانی در این زمینه بپردازد. اوایل دهه ۱۳۰۰ش، استاد طاهرزاده به ایران بازگشت و به دعوت انجمن مفاخر ملی، کار طراحی آرامگاه فردوسی را برعهده گرفت. او در بسیاری از پروژه‌های شهری مشهد مقدس، به عنوان مهندس ناظر یا طراح، حضور داشت؛ از جمله در ساخت بیمارستان امام‌رضا(ع) و نیز، ساختمان هلال احمر شهر مشهد. او در فضاسازی و معماری حرم رضوی نیز، به ارائه طرح پرداخت و ظاهراً طرح تفصیلی ایجاد فلکه دور حرم رضوی، از ابتکارات اوست. طاهرزاده بهزاد، ارادتی ویژه به امام‌رضا(ع) داشت. وی در سال ۱۳۴۲ش چشم از جهان فروبست و در امامزاده قاسم شمیران به خاک سپرده شد.

تاریخ اجتماعی

راز ۹۹۹ کاروانسرای شاه‌عباس

کاروانسراها نقشی بسیار راهبردی در تجارت و سیاحت قدیم داشتند. مشهور است که شیخ بهائی کاروانسراهایی را با عنوان «شاه‌عباسی» طراحی کرد که ۹۹۹ مورد از آن‌ها در سراسر قلمرو آن زمان ایران ساخته شد و هنوز هم می‌توان نمونه‌هایی از آن را در گوشه و کنار کشور یافت. دلیل اهمیت کاروانسراها، سرعت کم حرکت کاروان‌ها و نیاز عمده آن‌ها به اقامت و بیتوته شبانه، در محلی امن و راحت بود. کاروانسراها، معمولاً هم در میانه راه وجود داشتند و هم در حاشیه یا حتی داخل شهرها، نقش مهمانسرا و مسافرخانه را ایفا می‌کردند. در این کاروانسراها، معمولاً خدمات مختلفی به مسافران و مهمانان ارائه می‌شد؛ از تیمار اسب تا نگهداری اشیا و لوازم به صورت امانت. گاه این کاروانسراها محلی برای داد و ستد بازرگانان بود؛ معمولاً کاروان‌های تجاری، نمی‌توانستند به صورت عمده وارد شهر شوند؛ این وضعیت به دلیل محدودیت‌های حکومتی یا فقدان فضایی که بتوان کالا را در آن حمل و عرضه کرد، اتفاق می‌افتاد. بنابراین، بازرگانان ترجیح می‌دادند در کاروانسراها که هم در حاشیه یا بیرون از شهر بود و هم امنیت و فضای لازم را داشت، کارهای مربوط به معاملات خود را انجام دهند. با وجود این، فعالیت کاروانسراها هم، تابع قوانین و مقررات خاصی بود و هر کاروانسرا، نمی‌توانست جمیع خدماتی را که برشمردیم، به مهمانانش عرضه کند. داریوش شهبازی در کتاب «برگ‌هایی از تاریخ تهران» به این موضوع اشاره می‌کند و می‌نویسد: «کاروانسراها را به لحاظ کار کرد، دست کم به دو بخش باید تقسیم کرد. نخست کاروانسراهای بین شهرها و گروه دیگر کاروانسراهای شهری که معماری هر یک متناسب با نیازی که بدان‌ها بود، تعریف و طراحی می‌شده است. کاروانسرای بیرون شهر می‌باید: الف) بتواند شب‌هنگام برای کاروانیان پناهگاهی از هجوم راهزنان باشد. ب) استراحتگاهی برای مسافران و محل تعلیف چهارپایان و... باشد. کاروانسرای شهری نقش دیگری داشت؛ الف) محل تخلیه و بارگیری کالا بود، نظیر پایانه‌های حمل کالای امروزی ب) محل نگهداری کالا پیش از بارگیری یا قبل از توزیع بود، یعنی حکم انبارهای امروزی را داشت.»

ناشنیده‌هایی از گستره فعالیت‌های علمی بنیان‌گذار دانشگاه فردوسی

استاد علی‌اکبر فیاض؛ سفیر فرهنگ ایران در سرزمین فراعنه

جوادنوائیان‌رودسری– استاد فقید، زنده‌یاد دکتر علی‌اکبر فیاض، برای همه کسانی که با تاریخ و فرهنگ خراسان و به‌ویژه شهر مشهد آشنا هستند، یک شخصیت علمی شناخته‌شده است؛ استادی بزرگ‌وار جمند که بیشتر او را با تصحیح ستر گش از «تاریخ بیهقی» می‌شناسیم، اما کمتر درباره نقش وی در تأسیس دانشگاه فردوسی و نیز، فعالیت‌های فراملی و اطلاعاتی داریم. مرحوم فیاض در تمام زندگی خود، و جهه علمی‌اش را حفظ کرد و کوشید نقشی محوری در گسترش دانش داشته باشد. به تعبیر زنده‌یاد دکتر غلامحسین یوسفی، مرحوم فیاض «کم‌نویس، اما گزیده‌نویس بود» و به همین دلیل، آثار معدودی از این دانشی مرد برای ما باقی مانده است. اوروز چهارم شهریور سال ۱۳۵۰، زمانی که در چاپخانه دانشگاه فردوسی مشغول نظارت بر چاپ جدید تصحیح تاریخ بیهقی بود، دار فانی را وداع گفت و پیکرش را در حرم مطهر، رواق مبارکه دارالسیاده، به خاک سپردند. آن‌چه برآنم در این نوشتار مختصر، همراه با شما خوانندگان عزیز خراسان مرور کنم، تنها مراتب علمی مرحوم استاد علی‌اکبر فیاض نیست؛ بلکه می‌خواهم در این مجال، از نقش او در گسترش فرهنگ ایران اسلامی در دیگر کشورها نیز، سخن بگویم. نقشی که عمدتاً دیده نشده و به چشم نیامده است.

■ **گذشته در خشان فرزند خراسان**

یکی از اقدامات بسیار مهم استاد علی‌اکبر فیاض، بنیان‌گذاری دانشگاه فردوسی است. او بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴، تلاش فراوانی برای تأسیس دانشکده ادبیات در مشهد کرد؛ دانشکده‌ای که مقدمه‌ای برای تأسیس دانشگاه فردوسی و بلکه نخستین دانشکده این دانشگاه معتبر و ریشه‌دار بود. اما روایت فعالیت‌های وی، پیش از این دوران، شنیدنی‌تر است. استاد فیاض در سال ۱۲۷۷ش، در یک خانواده اصیل و روحانی مشهدی به دنیا آمد. پدرش میرزا عبدالمجید فیاض، خادم‌باشی کشیک اول و ملقب به ثقة‌الاسلام بود؛ به همین دلیل، مرحوم استاد فیاض می‌توانست بر اساس قوانین آن زمان، پس از رحلت پدرش واجد شغل و مقام او شود و آن‌ها را به ارث ببرد. اما آن مرحوم، سودای این چیزها را نداشت؛ او تشنه فراگیری دانش بود. مقدمات علوم دینی را در مشهد فراگرفت و بعدها در عرصه علوم معقول و منقول، صاحب‌نظر شد. همزمان، نزد استادان حوزه ادبی خراسان، مانند سیدابوالقاسم ازغندی، عبدالجواد ادیب نیشابوری، محمدعلی فاضل، آقابزرگ شهیدی و میرزا محمدباقر مدرس، فنون و آرایه‌های ادبی را به کمال فراگرفت و پس از آن، به آموختن علوم جدید اهتمام ورزید. استاد علی‌اکبر فیاض در سال ۱۳۰۷ش، به کسوت معلمی درآمد و در مدارس مشهد به تدریس پرداخت. او مدتی بعد، در سال ۱۳۱۴ش، با سعی و تلاش فراوان، دانشسرای مشهد را بنیان‌گذاری کرد و خودش ریاست آن را با وجود همه چوب لای چرخ گذاشتن‌ها، کمبودها و تضییقات، برعهده گرفت.

■ **سفر به مصر**

استاد فیاض، مدتی بعد تصمیم گرفت که به تهران برود و در دانشگاه پایتخت به تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی بپردازد. او در سال ۱۳۲۰ش، مدرک لیسانس و در سال ۱۳۲۲ش، مدرک دکترای خود را در رشته مدنظرش دریافت کرد. درست در همین دوران بود که آشنایی وی با دکتر قاسم غنی رقم خورد؛ پزشکی از خطه سبزوار که در ادبیات و سیاست نیز، دستی داشت. غنی روابطی دوستانه را با دکتر فیاض برقرار کرد؛ هر دو مردِ عرصه ادبیات بودند و خراسانی و البته، این دوستی و نزدیکی چندان دور از ذهن نبود. محصول این همراهی، با انتشار تصحیح انتقادی تاریخ بیهقی، در سال ۱۳۲۴، در معرض دید عموم قرار گرفت. برخی این کتاب را مهم‌ترین اثر تحقیقاتی مرحوم دکتر علی‌اکبر فیاض می‌دانند که ظاهراً تشویق دکتر غنی در نگارش آن بسیار مؤثر بود. استاد علی‌اکبر فیاض بعدها، این کتاب را بارها مورد تجدیدنظر قرار داد و منتشر کرد. رابطه میان او و دکتر قاسم غنی، حتی زمانی که وی به عنوان سفیر کبیر ایران در مصر تعیین شد، همچنان برقرار ماند. دکتر غنی در سال ۱۳۲۶ به مصر رفت؛ آن‌جا بود که در مراوده با مراکز آموزشی این کشور، دریافت که آن‌ها به شدت نیازمند استادی مسلط به زبان عربی هستند که بتواند ادبیات فارسی را تدریس و دانشجویان را با فرهنگ ایرانی آشنا کند. نخستین کسی که برای معرفی به ذهن غنی رسید، دکتر علی‌اکبر فیاض بود. به این ترتیب، یک سال بعد، در ۱۳۲۷ش، استاد فیاض بار سفر بست و به مصر رفت. او در دانشگاه فاروق اول، به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت و به دلیل تسلطش بر زبان عربی، سخنرانی‌هایش درباره تاریخ و تمدن ایران اسلامی، مورد اقبال فراوان استادان و دانشجویان مصری قرار گرفت. جالب است که او اخر سال ۱۳۲۷ش، دکتر غنی از سفارت

استاد علی‌اکبر فیاض (نفر سمت راست) در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی، همراه با دو تن از دانشجویان

برکنار شد و به ایران بازگشت، اما دکتر فیاض به خواست دانشگاه‌های مصر، در آن سرزمین ماندگار شد و تا اوایل دهه ۱۳۳۰ش، به مدت بیش از چهار سال، به تدریس در این کشور پرداخت. به همین دلیل، باید او را یکی از مهم‌ترین سفرای فرهنگی ایران در تاریخ روابط میان مصر و کشورمان بدانیم.

■ **بازگشت به ایران**

استاد علی‌اکبر فیاض پس از مدتی به ایران بازگشت و به ایفای نقش در تأسیس دانشگاه فردوسی پرداخت. نخستین کلاسی که در روز ۱۱ آذرماه سال ۱۳۳۴، پس از تشکیل دانشکده ادبیات، به عنوان نخستین بخش از دانشگاه فردوسی برگزار شد، کلاس درس صنایع ادبی، با تدریس استاد علی‌اکبر فیاض بود؛ بنابراین شایسته است که او را نخستین استاد دانشگاه فردوسی هم بنامیم. آن مرحوم، مدت ۹ سال ریاست دانشگاه مشهد را برعهده داشت و در تأسیس دانشکده معقول و منقول (الهیات فعلی) هم، نقشی بسیار مهم ایفا کرد. وی تسلطی بسیار عالی بر متون تاریخ اسلام داشت و نگارش کتابی در همین زمینه، با عنایت به آگاهی‌های کم‌نظیر وی رقم خورد. استاد مدتی را هم به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت و در سال ۱۳۴۶ش، بازنشسته شد؛ اما تدریس وی در دانشگاه فردوسی ادامه پیدا کرد؛ فعالیتی که البته با درگذشت وی در شهریور ۱۳۵۰، در ۷۳ سالگی، پایان پذیرفت.

تاریخ باستان

قدیمی‌ترین پرونده تاریخی درباره ترور با گاز شیمیایی

قتل امپراتور روم با «گاز زغال»!

در باره تاریخ آغاز ترور و کشتار به وسیله گازهای شیمیایی، حرف و حدیث‌های فراوانی وجود دارد؛ برخی معتقدند که این اقدامات، مربوط به قرن‌های اخیر است و پیش از آن، سابقه‌ای تاریخی در این باره نداریم؛ غافل از این که تا وقتی قدرت‌طلبی وجود دارد، افکار پلیدی که به دنبال از میان برداشتن رقبا هستند، به هزار راه می‌روند و شیوه‌های نوین آدمکشی را ابداع می‌کنند. ما جرای قدیمی‌ترین پرونده ترور با استفاده از گاز شیمیایی هم، با چنین موضوعی پیوند دارد.

■ **بهانه قتل**

داستان این پرونده، در سال ۳۶۴م اتفاق می‌افتد، یعنی چیزی حدود ۶۵۷ سال قبل! فلاویوس ژوویانوس مشهور به ژوویان در زمان لشکرکشی ژولیان، امپراتور روم، به ایران در سپاه او حضور داشت و پس از کشته‌شدن او، به عنوان امپراتور روم برگزیده شد. این اتفاق روز ۲۶ ژوئن سال ۳۶۳ میلادی افتاد. ژوویان که شرایط را برای ادامه نبرد با ایرانیان فراهم نمی‌دید، تصمیم گرفت با شاپور دوم ساسانی صلح کند. این صلح طبیعتاً دربرگیرنده ضررهای فراوانی برای رومیان بود؛ آن‌ها مجبور شدند تمام سرزمین‌های شرق رودخانه دجله، شهر سنگار (سنجار) امروزی، بخش بزرگی از ارمنستان و نصیبین را به ایرانیان بازگردانند. ژوویان متعهد شد که هرچه سریع‌تر نیروهای خود را از مرزهای ایران دور کند و شهرها را طبق قرارداد، به فرمانداران ایرانی واگذارد. این پیمان‌نامه واقعاً برای رومی‌ها حقارت‌آمیز بود؛ اما آن‌ها خودشان مایل بودند که چنین قراردادی را با ایرانیان پیروز، امضا کنند تا بتوانند از مهلکه جان به در ببرند. اما رقبای ژوویان در داخل امپراتوری، این قرارداد را بهانه قرار دادند و علیه وی دسیسه‌چینی کردند. ژوویان پس از بازگشت به روم، یک اشتباه بزرگ دیگر هم مرتکب شد؛ او که به مسیحیت گرویده بود، فرمان داد مزاحم مسیحیان در قلمرو امپراتوری روم نشوند؛ هر چند که سعی می‌کرد با سیاست مدارا، پیروان مذاهب قدیمی روم را هم راضی نگه دارد؛ اما این رویکرد برای آن‌ها غیرممکن بود. طبق روایت تاریخ‌نگاران رومی، روز ۱۷ فوریه سال ۳۶۴م، پیکر بی‌جان ژوویان را در تختش یافتند. علایم موجود در جسد نشان می‌داد که او بر اثر خفگی مرده است، اما هیچ نشانه‌ای مبنی بر فشار دادن گلویا بستن مجاری تنفسی وی وجود نداشت. راز مرگ ژوویان تا مدت‌ها فاش نشد. تا این که یک بار، یکی از افراد دخیل در مرگ وی، فاش کرد که آن‌ها برای کشتن امپراتور، از زغال نیمه افروخته استفاده کردند؛ رومی‌ها کاملاً از این مسئله آگاه بودند که گاز متصاعدشده از زغال نیمه افروخته، می‌تواند کشنده باشد؛ همان گازی که بعدها با عنوان منواکسید کربن شناخته شد. جانشین ژوویان، یعنی «والنتینیان یکم»، بیشتر همّ خود را بر مبارزه با اقوام ژرمن متمرکز کرد و به سراغ نبرد با ایران نرفت؛ شاید می‌ترسید این اقدام باعث شود تا شبی در اتاق او هم، گاز منواکسید کربن نشت کند!

قاب تاریخ

احمدشاه و پدیده «هواپیمانادیدگی»!

در قاب تاریخ امروز، تصویری از نخستین هواپیمای وارد شده به ایران را می‌بینید. این عکس، یک سند تاریخی از ورود هواپیمای «کوزمینسکی»، خلبان لهستانی‌تبار، از روسیه به ایران است که برای پرواز نمایشی در حضور احمدشاه قاجار روز ۱۲ دی‌ماه سال ۱۲۹۲، به تهران آمده بود. این تصویر، پس از نخستین پرواز گرفته شده است. این هواپیما از نوع «بلریو ۱۱» بود؛ هواپیمایی که توانست برای نخستین بار، مسافت میان انگلیس و فرانسه را از روی کانال مانش طی کند و به شهرت فراوانی برسد. در این عکس، احمدشاه قاجار در کنار محمدحسن میرزا ولیعهد، جمعی از ملازمان و خلبانی که احتمالاً کوزمینسکی باشد، در مقابل دوربین ایستاده است. این عکس، احتمالاً باید همان عکسی باشد که می‌گویند احمدشاه

و درباریان با هواپیما گرفتند و در روزنامه «ایلوستراسیون» فرانسه منتشر شد. البته در آن زمان، خیلی‌ها در اروپا، با دیدن این عکس، به پدیده هواپیمانادیدگی احمدشاه و گزارش‌های مربوط به ذوق‌زدگی‌اش، خندیدند.

اندر احوالات قبله عالم

اجتماع بانوان عجیب و غریب در خانه نایب‌السلطنه!

پنج‌شنبه، ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۰۶ * – صبح رفتیم حمام، امروز در اندرون جشن است. والده نایب‌السلطنه جشن زنانه دارد. بعد از ناهار رفتیم منزل نایب‌السلطنه. سروستان و حیاط‌ها همه قُرُق زنانه بود. وضع این مهمانی مثل پارسال و حکم چاپ را دارد. هیچ تفاوتی با سال گذشته نداشت. زن‌های زیادی بودند. عزیزالسلطان بود. رفتیم پایین و بالا اتاق‌ها را تماشا کردیم. قدری شاهی (پول) توی زن‌ها پاچیدیم (پاشیدیم)؛ شلوغ کردند. یک دختری رفت زیر دست و پا، کم مانده بود خفه شود. کشیدند آوردند بیرون؛ آب سرد و این‌ها زدند. الحمدلله خوب شد، اما خیلی تشویش داشت. زن‌های عجیب و غریب بودند، پیر و پاتال. عمه صاحب‌خانم، عمه نوشی‌جان‌خانم بودند. این دو نفر به قدری پیر شده‌اند که خنده دارند. عزت‌الدوله بود، انیس‌الدوله، زن‌های ما بودند. اجماع غریبی بود. کمی آن‌جا ماندیم. حوصله‌مان سر رفت. برگشتیم آمدیم به اندرون خودمان. در اتاق برلیان پرتقال خورده، چای نوشیدیم. روز بدی نبود، اما خوش نگذشت.

* سوم اسفند ۱۲۶۷

درباره سفر بازرگانی عالم از تبریز به اقیانوس هند

نقش ایرانیان در مسلمان شدن اهالی مالدیو

گزارش تاریخی

برای نسل ما، مالدیو با تیم فوتبالش شناخته می‌شود؛ تیمی که می‌شد راحت تعداد گل‌های خورده‌اش را به عددی دورقمی رساند! با این حال، بسیاری از ما اطلاعاتی هر چند اندک، از تاریخ مالدیو و اهمیت آن در تاریخ تجارت ایران نداریم؛ کشوری در جنوب غربی شبه‌قاره هند و در مسیر تجارت مشهور ادویه. دریانوردان سختکوش ایرانی در قرن سوم تا پنجم هجری، این جزایر را با نام دیباجات می‌شناختند؛ چون مسیر عبور کشتی‌هایی بود که به چین می‌رفتند تا ابریشم و دیگر اقلام تجاری را به خاورمیانه منتقل کنند. مردم مالدیو مسلمان هستند و دین اسلام قرن‌هاست که دین رسمی این جزایر محسوب می‌شود. ابن‌بطوطه در سفرنامه خود، اسلام آوردن اهالی مالدیو را به دلیل مسافرت یک عالم از اهالی مغرب (مراکش) به نام ابوالبرکات می‌داند و برخی از مورخان نیز، با استناد به سخنان او، چنین تصور می‌کنند؛ اما واقعیت چیز دیگری است. در شهر مالِه، پایتخت مالدیو امروزی، مسجدی زیبا و کهن‌سال وجود دارد که قدیمی‌ترین مسجد کشور مالدیو است. در داخل این مسجد، روی یک کتیبه قدیمی، نامی از نخستین مسلمانی که اسلام را وارد جزایر دیباجات کرد، آمده است؛ یوسف شمس‌الدین ابوبرکت تبریزی! بنابراین تردیدی نیست که آن‌چه ابن‌بطوطه در قرن هشتم روایت می‌کند، با واقعیت تطبیق ندارد. ابن‌بطوطه از اهالی طنجه در مراکش امروزی بود و این که مسلمان شدن مردم مالدیو را کاریکی از هم‌میهنان خودش به نام ابوالبرکات بداند، چیز عجیب و غریبی نیست. اما درباره ابوبرکت تبریزی، اطلاعاتی بیشتر از آن‌چه در کتیبه است، نداریم. احتمالاً وی بازرگانی از اهالی تبریز بود که بر علوم اسلامی نیز، تسلطی داشت و آن‌چه سبب‌ساز تبلیغ اسلام در مالدیو و گسترش آن شد، رفتار اسلامی و توام با مهر و محبت ابوبرکت تبریزی با مردم این جزایر بود. این اتفاق، یعنی ورود ابوبرکت، احتمالاً در قرن پنجم هجری قمری افتاده است. با وجود این، امروزه فعالیت‌های وهابیان مورد حمایت سعودی‌ها در این کشور، باعث گسترش افراط‌گرایی در مالدیو شده است. در سال ۲۰۱۲م/۱۳۹۱ش، حمله افراطیون وهابی به موزه شهر مالِه که در آن اشیایی با قدمت چندهزار ساله نگهداری می‌شد، خسارات سنگینی به بار آورد.

قدیمی‌ترین مسجد مالدیو در شهر مالِه

آگهی مزایده اموال غیرمنقول پرونده کلاسه ۹۹۰۰۴۹۸

به موجب پرونده اجرایی کلاسه ۹۹۰۰۴۹۸ مطروحه شعبه دوم اجرای ثبت مشهد خانم تکتم کرباسی نام پدر: مهدی تاریخ تولد: ۱۳۵۹/۰۱/۲۰ شماره ملی: ۰۶۵۱۸۴۶۷۷۳ شماره شناسنامه: ۱۶۵ به استناد سند ازدواج: شماره سند: ۹۷۳۵، تاریخ سند: ۱۳۷۸/۱۱/۲۸، دفترخانه صادرکننده: دفترخانه ازدواج شماره ۲۴ شهر مشهد استان خراسان رضوی جهت وصول تعداد پانصد عدد سکه طلای تمام بهار آزادی علیه آقای داود غلامی نام پدر : غلامحسین محل صدور: مشهد تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۶/۱۰ شماره ملی: ۰۹۴۳۷۱۵۶۵۲ شماره شناسنامه: ۲۷ اجرائیه ای به کلاسه فوق صادر که پس از ابلاغ اجرائیه در مورخه ۱۳۹۹/۰۲/۱۰ برحسب درخواست بستانکار تمامی ۲۹۵ سهم از ۸۰۵ سهم از ۱۹۵۰۰ سهم ششدانگ پلاک ثبتی ۴۷۸۸ فرعی از یک اصلی بخش ۱۰ مشهد داود غلامی در قبال تعداد ۵۰۰ عدد سکه تمام بهار آزادی به انضمام حقوق دولتی بازداشت که برابر گزارش کارشناس رسمی دادگستری : به محل ملک واقع در اراضی بحرآباد مراجعه کردیم که بشرح ذیل می باشد:

ملک مذکور مربوط به کارکنان شرکت پرمیت می باشد که براساس صورتجلسه سهم آقای غلامی شماره ۲۵ می باشد و با توجه به اینکه سند مشاعی می باشد براساس کارشناس ثبت متراژ زمین مشخص نیست ولی با توجه به نقشه تفکیکی و همچنان تحقیقات مکانی ارزش این مقدار سهام معادل ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یکصد و پنجاه میلیون تومان) ارزیابی می گردد . حدود اربعه ملک: شمالا بطول ۹۷/۵۰ متر به خیابان شرقا بطول ۲۰۰ متر بشماره باقیمانده سیصد و شش فرعی جنوبا بطول ۹۷/۵۰ متر به خیابان غربا بطول ۲۰۰ متر به خیابان که تمامی ۲۹۵ سهم از ۸۰۵ سهم از ۱۹۵۰۰ سهم ششدانگ پلاک ثبتی ۴۷۸۸ فرعی از یک اصلی بخش ۱۰ مشهد در قبال مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یکصد و پنجاه میلیون تومان) مزایده خواهد شد. ضمنا مبلغ ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق مزایده و نیم عشر به مبلغ ۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد که طبق تبصره ماده ۱۲۱ آیین نامه اجرا بعهده برنده مزایده می باشد و مزایده تمامی ۲۹۵ سهم از ۸۰۵ سهم از ۱۹۵۰۰ سهم ششدانگ پلاک ثبتی ۴۷۸۸ فرعی از یک اصلی بخش ۱۰ مشهد در قبال مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یکصد و پنجاه میلیون تومان) از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر در روز شنبه مورخه ۱۴۰۰/۲/۱۸ در محل شعبه دوم اجرا شروع و به بالاترین قیمت که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد. ضمنا پرداخت بدهیهای مربوطه اعم از آب و برق و گاز حق انشعاب و یا حق اشتراک و نیز بدهیهای مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آنها معلوم شده یا نشده بعهده برنده مزایده است و هزینه های قانونی طبق مقررات وصول خواهد شد همچنین در صورت تعطیلی روز مزایده در روز بعد از تعطیل رسمی در ساعت تعیین شده برگزار می گردد.

مزایده در ادرس خیابان امام خمینی، خیابان ثبت اداره اجرای اسناد رسمی مشهد شعبه دوم اجرای ثبت برگزار می گردد. همچنین شرکت در مزایده منوط به پرداخت ۱۰ درصد از مبلغ پایه مزایده به صندوق ثبت بوده و حضور خریدار یا نماینده قانونی آن در جلسه مزایده الزامی است.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۲/۴ م الف ۵۴۲

رئیس اداره اجرای اسناد رسمی مشهد- محمدرضا اجتهادی عرب

م/۱۴۰۰۰۵۵۷۰